

بسم الله الرحمن الرحيم

امام احمد الحسن (یمانی) کیست ؟

احمد ابن اسماعیل ابن صالح ابن حسین ابن سلمان ابن محمد ابن الحسن ابن
علی ابن محمد ابن علی ابن موسی ابن جعفر ابن محمد ابن علی ابن الحسین
ابن علی ابن ابی طالب علیهم الصلاة والسلام

در شهر بصره در جنوب عراق زندگی میکردند و تحصیلشان را تا مرحله
بكالوريوس ادامه دادند و مدرک مهندس معماری را حاصل کردند . سپس به
نجف اشرف رفتند و در آنجا زندگی کردند و هدفشان یاد گرفتن علوم دینی بود
و بعد از اینکه تعدادی از درسها را اموختند و منهاج تحصیل را در حوزه نجف
فهمیدند که درس در حوزه علمیه دارای خلل بزرگی هست چونکه آنها در
حوزه علمیه منطق و فلسفه و اصول فقه و علم کلام (عقائد) و فقه (احکام
شرعی) و لغه عربی را یاد میدادند ولی آنها ابدان قرآن کریم و سنتهای رسول الله
(ص) (احادیث اهل بیت (ع)) را اصلا بلد نبودند چه بسا که اصلا دارای
اخلاق الهی که باید يك مؤمن داشته باشد نبودند.

لذا تصمیم گرفتند که در خانه خود بمانند و علوم آنها را خودشان یاد بگیرند
. بدون اینکه از کسی کمک بخواهد . ولی اصلا در حوزه علمیه درس نخواندند
ولی با آنها در اتصال بودند و آنها با ایشان در اتصال بودند مانند مریم مقدس ع
که در بینة یهودیها زندگی میکردند.

اما علت التحاق ایشان به حوزه علمیه در نجف چونکه ایشان خواب دیدند که
امام مهدی ع به ایشان دستور دادند که به حوزه علمیه بروند و اموری که امام ع
در خواب به ایشان گفتند تمامی آنها در حقیقت اتفاق افتاد.

آغاز شروع دعوت و کجا:

سالها قبل از ساله ۱۹۹۹ سید احمد الحسن ع با پدرشان امام مهدی ع در
ارتباط بودند و ایشان ع از پدره خویش علوم الهی را دریافت میکردند و با راه
وروش پدرشان راه میرفتند و در اواخر ساله ۱۹۹۹ و با دستور حضرت مهدی

(ع) شروع کردند نه نقض هیکل باطل در حوزه علمیه و از آنها خواست که خود را اصلاح کنند و نیز اصلاح علمی و مالی و این امر تا ساله ۲۰۰۲ ادامه داشت و امام مهدی ع دستور دادند که سید احمد الحسن ع به مردم ابلاغ کند که او فرستاده حضرت مهدی (ع) است و مسیره ایشان برای دعوت مردم در ماه هفتم ساله ۲۰۰۲ موافق با ماه جمادی اول ساله ۱۴۲۳ هجری در نجف اشرف آغاز شد. در حالی که امام مهدی (ع) به ایشان دستور داد که به تمامی مردم ابلاغ کند که ایشان وصی و رسول حضرت مهدی (ع) هستند و نیز اسم ایشان در وصیت رسول ص در شبه وفاتش نیز ذکر شده است.

راههای که در اصلاح حوزه علمیه در پیش گرفتند:

تلاش برای اصلاح حوزه علمیه در آغاز دعوت بود قبل از اینکه علنی اعلان بشود و بر سه نقطه مرکز بود:

۱- اصلاح علمی :

و در آن دو راه استفاده کردند.

اول / کتابی به عنوان (راه به سوی خدا) را نوشت که خیلیها به این کتاب متاثر شدند و یکی از آنها شیخ محمد یعقوبی بود و این کتاب را چاپ کرد و بینه اتباعش پخش کرد.

دوم / اینکه با طلبه حوزه و علمای آنها بحث و گفتگو کردند در مورد خللی که در حوزه وجود داره و خیلی ها با کلام ایشان موافقت میکردند و میدانستند که این شخص صادق است و له او کمک میکردند.

۲- اصلاح عملی :

به مربوط به امر به معروف و نهی از منکر است مثلاً وقتی که صدام ملعون قرآن را با خونه نجسه خودش نوشت و تمامه مسلمانان موافقت کردند که خونه نوشته شده با قرآن نجس است و امام احمد الحسن (ع) از حوزه خواست که حداقل از خود حرکتی نشان بدهند و امری را صادر کنند که این عمل اشتباه است ولیکن آنها تقیه به خرج دادند که مبادا کشته بشن و از این امر صرفه نظر کردند.

و میگفتند که این امر دسته خداست و خدا با ماهست و او از ما دفاع میکند
و امام احمد الحسن (ع) خودشان شخصا بر علیه این امر با شدت دفاع کرد و
در خطبه های که میدادند همیشه نام از صدام را میاوردند و میگفتند که صدام
مرگ خود را با دستش نوشته وقتی که کتاب مقدس قران را با خونه نجس
کثیف کرد و به جای اینکه ایشان را در این راه کمک کنند او را از حوزه با خوش
اخلاقی خارج کردند . چونکه از صدام میترسیدند و میترسیدند که اعدام بشن
ولی در این اصلاح اصلا به ایشان کمک نشد.

۳- اصلاح مالی:

و مربوط به انفاق اموال صدقات بر فقهاء است ... و این مرحله آخر بود قبل
از اینکه دعوت علنی بشود و خیلی از طلبه های حوزه علمیه با ایشان همقدم
شدند. خیلی کم از آنها از فقراء بودند و بیشتر از خوده طلبه بودند که
نمیدونستند بینه ممارسه مادی که در حوزه علمیه اتفاق میافتاد را تشخیص
بدند. و در این مجال نتایج بسیار عالی بدست آمد بعد از اینکه امام احمد
الحسن ع خودش و انصارش از طلبه حوزه علمیه بینه انها و مرجعیات دینی
دیگر مثله سیستانی و محمد سعید حکیم محمد اسحاق فیاض مفاوضات
زیادی اتفاق افتاد . و بیشتر کسانی که با قول و زبان تأیید میکرد شیخ یعقوبی بود
و مجادله نکرد بلکه اعتراف کرد که ما نیاز به اصلاح مالی داریم بعد از اینکه
یکی از مؤمنان بامام احمد الحسن (ع) او را به یاد سیاست حضرت علی ع در
مادی انداخت.

در هر صورت این بود جزئی از سیره وسلوك امام (ع) تا حقیقت برای همه
مشخص بده .

کتابهای امام احمد حسن ع

۱. روشنگری از دعوت فرستادگان - جلد اول - عربي - فارسي.
 ۲. روشنگری از دعوت فرستادگان - جلد دوم - عربي - فارسي.
 ۳. روشنگری از دعوت فرستادگان - جلد سوم / ق اول - عربي - فارسي.
 ۴. روشنگری از دعوت فرستادگان - جلد سوم / ق دوم - عربي - فارسي.
 ۵. المتشابهات - جلد اول - عربي.
 ۶. المتشابهات - جلد دوم - عربي.
 ۷. المتشابهات - جلد سوم - عربي.
 ۸. المتشابهات - جلد چهارم - عربي.
 ۹. سفر حضرت موسی (ع) به مجمع البحرين - عربي - فارسي.
 ۱۰. فتنه گوساله - جلد اول - عربي - فارسي.
 ۱۱. فتنه گوساله - جلد دوم - عربي - فارسي.
 ۱۲. بيان الحق والسداد من الأعداد - جلد اول. عربي
 ۱۳. بيان الحق والسداد من الأعداد - جلد دوم. عربي
 ۱۴. شيء من تفسير سورة الفاتحة. عربي
 ۱۵. تفسير آية من سورة يونس (ع). عربي
 ۱۶. جوابهای روشن کننده از راه امواج - جلد اول. عربي - فارسي.
 ۱۷. جوابهای روشن کننده از راه امواج - جلد دوم. عربي - فارسي.
 ۱۸. جوابهای روشن کننده از راه امواج - جلد سوم. عربي
 ۱۹. حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم. عربي - فارسي.
 ۲۰. نصیحتی برای طلاب حوزه های علمیه و هر کس که طالب حق است. عربي
- فارسي.
۲۱. وصي ورسول الامام المهدي (ع) في التوراة والانجيل والقرآن. عربي.
 ۲۲. سرگردان. عربي - فارسي.

۲۳. شرائع اسلام - جلد اول. عربي

۲۴. شرائع اسلام - جلد دوم. عربي

۲۵. شرائع اسلام - جلد سوم. عربي

۲۶. رسالة الهداية. عربي

۲۷. نبوت خاتمه. عربي - فارسي.

۲۸. جهاد درب بهشت. عربي - فارسي.

۲۹. كتاب التوحيد. عربي

اخلاق وسيرت امام احمد حسن (ع)

كتب احد الانصار المؤمنين بالامام احمد الحسن اليماني (ع) (وهو الشيخ جهاد الاسدي وهو ممن لتقى الامام ع وعاشره:

يكي از انصار مؤمنين بامام احمد حسن ع كه شيخ جهاد اسدي بود واز كسانی كه با ایشان ملاقات کرده بود گفتند :

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ بِمَا يُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ قَالَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْعِلْمِ وَالْوَصِيَّةِ . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۲۵ ص ۱۳۸ ، الخصال ج ۱ ص ۲۰۰ .

مغيره نضری گفت : **بحضرت صادق عليه السلام عرض کردم چگونه میتوان صاحب این امر را شناخت ؟ فرمود: با سنگینی و وقار و علم و وصیت .**

الان میخواهم این روایت را بر امام احمد حسن یمانی ع تطبیق بدم ... از لحاظ وقار : به صورته متواتر نزده مخالفین قبل از موالین ثابت شده که امام احمد حسن یمانی ع صاحب سکینه ووقار و امین بر دین که حتی بعضی از اشخاص در خوده حوزه علمیه او را صادق امین خطاب میکردند . از جمله کسانی که با ایشان همقدم شدند وشهادتی میدهند که : او بهترین و شجاعترین و یر حکمترین و صابرترین شخص هستند ... هر وقت کسی از او امری را طلب کند بی نهایت سخاوتمند هستند به دینار ودرهم اصلا اهمیت

نمیدهند اصلا غلط و پرخاشگر و سباب نیست ... از کسانی هستند که روی زمین میخوابند و غذا میخوانند ... و هر چی سره سفره گذاشته بشه میخورد و مثله عبدی سره سفره مینشیند ... و اصلا غذای را بر دیگری ترجیح نمیدهد ... با فقیران و انسانهای ساده مینشینند و کسانی که دارای اخلاق نیستند ... و به یتیمان و زنهای بیوه کمک میکردند و اما اهل علم و فضل به آنها خیلی ایمان میگذاشتند و این اشخاص مقدم هستند نزد امام (ع) ... با اهل شرف خیلی خوب رفتار میکردند و صله رحم را برقرار میکرد و عذر هر کسی را میپذیرد و همیشه سر به زیر و با تواضع صحبت میکنند و صدای خود را نزنند کسی بلند نمیکند و اگر دره خانه اش را کسی بزند باز میکند و طلب و حاجته آنها را برآورده میکند و اگر کسی نیازی داشته باشد پیشه او میرد و به او بدون این که بداند کمک میکند و نمیگوید که این امر از طرفه من است بلکه میگوید از سوی خدا میباشد ... اگر کسی از انصار او یا شخصی اشتباه بکند همیشه او را نصیحت میکند و از دست بوسیدن و خدام و غیره بدشان میاید ... هنگامه نشست در مقابله شخصی پای خود را دراز نمیکند ... و مواصفاته دیگری که خاصه انبیاء و اهل بیت (ع) میباشد در این شخص خواهید دید اگر با او معاشرت داشته باشید ... سخنانه شیخ جلال اسدی در اینجا به پایان رسید.

و شهادتهای مختله دیگری هم هست از کسانی که ایشان را دیده اند میتونید توی این سایت بخوانید

ارتباط امام احمد حسن به مراجع معروف نجف و غیر نجف :

امام احمد حسن (ع) زیره نظره طلاب حوزه علمیه چه عالمش و چه طالبش بود و خیلی به ایشان احترام میگذاشتند و دارای هیبت و وقار خاصی بودند و همه کسانی که در حوزه بودند به این امر شهادتی میدهند و خیلی از رفتار ایشان راضی بودند از اخلاق و رفتار و جدیتی که در دینه خدا داشتند و خیلی تلاش کردند تا اینکه حوزه را از فساد که در آن است نجات بدهد و حال عوض شد بعد از اینکه ایشان خود را وصی و فرستاده حضرت مهدی (ع)

معرفی کردند و فرمودند که از طرفه پدرشان حضرت مهدی (ع) فرستاده شدند و کسی که صادق امین بود الان ساحر و کذاب شناخته شد درست همان حرفی که به رسول الله (ص) زدند و بعد از مدتی دستور به قتلش را دادند... و در این موضوع ادله زیاد هست که اگر اجازه باشه من لینکها را اینجا بزارم.

نظام صدام ملعون دونهاله ایشان ع میگذاشتند:

صدام بعضی از افرادی که با امام احمد حسن ع ارتباط داشتند را دستگیر کرد حتی اگر به او مؤمن نبودند بلکه بعد از اینکه دعوت اعلان شد آنها را دستگیر کردند و از آنها در مورد امام ع تحقیق کردند. و شکر خدا به نتیجه ای نرسیدند.

نظر امام احمد حسن ع در مورد جنگی که باعث سقوط صدام شد:

وقتی که صدام ملعون قرآن را با خونه خودش نجس کرد و بعد تولد نحسه خود را گرفت امام احمد حسن ع گفتند: که این آخرین تولدی صدام ملعون هست و تولدی دیگری نخواهد گرفت چونکه او بر خدا تجاوز کرد و خداوند او را حتما مجازات خواهد کرد.

(فصدام طاغیة ونال جزائه من الله بالسيف)

در حدیث قدسی شریف خداوند کتعال فرمود: (الظالم سيف أنتقم به وأنتقم منه).

علاقه امام احمد حسن (ع) با حکومت عراق و حمله اعلانی و مرجعیت و کارهای که حکومت برای تشویه و گمراهی مردم ضده این قضیه انجام داده و خواهند داد:

انصار امام احمد حسن (ع) در هیچ انتخاباتی شرکت نکردند چونکه امام احمد حسن (ع) فرمودند که تنصیب الهی از طرفه خداست نه مردم... و حکومت عراق حسنیات و مسجدهای انصار را خراب کردند و قسمتی از آنها را دستگیر کردند و قسمتی از آنها را کشتند و مکتب انصار را بستند قبل از احداث زرگه که به دروغ به انصار امام مهدی (ع) تهمت زدند تا مردم را گمراه تر کنند و در

بینه انصاری که دستگیر شده بودند سید حسن حمامی که از علماء بزرگ نجف و پسر مرجع دین سید محمد علی حمامی (رحمه الله) نیز بودند. و بعد از اینکه مکتب و مسجد و حسینه های انصار را خراب کردند در نجف و کربلاء اجازه نداند که وسائل اعلام اتفاقی که افتاده بود را به مردم همانطوری که اتفاق افتاده بود برسانند ولی بعد از اینکه فتنه زرگه اتفاق افتاد سعی کردند قسمتی از مسجد و مکتب و کارهای که کرده بودند را برای مردم نقل کنند و تهمت زدند که احداثه زرگه از کارهای انصار امام مهدی (ع) بوده است و بعد از اینکه در تلفزیون اعتراف کردند که احداثه زرگه از کارهای انصار امام مهدی (ع) نیست باز هم از دستگیری انصار امام مهدی (ع) دست برداشتند. و تا الان مکتبه انصار امام مهدی (ع) در نجف بسته است و اجازه باز کردنش را نمیدهند.

فعلا اینها را داشته باشید تا خسته نشید و حقیقت همین است که تا الان نوشته شده و هرکسی که نطفه پاک داشته باشد به راحتی میتونه بینه حق و باطل را تشخیص بدهد.

التماس دعا